



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۶ فروردین ۱۳۹۰
۱۵ آوریل ۲۰۱۱

خالد حاج محمدی
حمایت بقیه مراکز از
پتروشیمی ماهشهر
حیاتی است

پتروشیمی ماهشهر از ۲۰ فروردین در اعتصاب است. خواست اصلی کارگران حذف پیمانکاران واسطه ای و انعقاد قرارداد مستقیم پتروشیمی با کارگران و لغو قراردادهای موقت است. این اعتصاب ادامه اعتراض آنها در ۲۸ اسفند ۱۳۸۹ است که مدیریت با تهدید و وعده قصد ممانعت از اعتصاب داشت. مدیریت پتروشیمی در جواب کارگران اعتصابی اعلام کرده که "حذف پیمانکاری باید با ابلاغیه وزیر نفت اجرا شود". اما کارگران به سخنان او اعتراض و بر مطالبات خود پای فشرده اند. سخنان مدیریت پتروشیمی ماهشهر عیناً بهانه مدیریت پتروشیمی تبریز در جواب به کارگران اعتصابی در اسفند ۱۳۸۹ بود که با اعتراض کارگران روبرو شد و اعتصاب ۱۸۰۰ نفره آنها بعد از ۱۱ روز با موفقیت پایان یافت. این اعتصاب موقعیت ویژه ای یافته است؛ دامنه این اعتراضات به سایر مجتمع های پتروشیمی منطقه از جمله امیرکبیر، خوزستان، شیمیایی رازی، تندگویان، بوعلی و اروند هم کشیده شده است. از طرف دیگر بخشهای دیگر پتروشیمی برای همبستگی با کارگران این مرکز که حدود ۲۰۰۰ کارگر را شامل میشود، به محل اعتصاب آمده

حزب حکمتیست

گل همینجاست، همینجا برقص

روزنامه کیهان، بیت رهبری و حزب حکمتیست

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بار دیگر در شماره های ۲۰ و ۲۳ فروردین خود دو نوشته به امضای "حسین حسینی" و یک نوشته بدون امضا منتشر کرده است. موضوع مقالات تا کنونی "حسین حسینی" که گویا نوشته ۲۳ فروردین آخرین بخش "پژوهش های" او است، "بررسی" سیر رشد گروه های چپ مارکسیستی در دانشگاهها است. و مقاله بی امضا کیهان که باید موضع رسمی این روزنامه و محصول شریعتمداری باشد، که در دفاع از بررسی "حسینی"، اساسا به حزب حکمتیست پرداخته است. لازم به ذکر است که مقالات قبلی کیهان در شماره های ۳۰ بهمن و ۲۱ اسفند ۱۳۸۹ این روزنامه درج شده است. ما در اعلامیه رسمی حزب به تاریخ ۲۶ اسفند و در نوشته ها و مصاحبه های مختلف تعدادی از اعضا رهبری حزب،

پاسخ وزارت اطلاعات و روزنامه کیهان جمهوری اسلامی را به روشنی دادیم. اینجا و در ادامه نکاتی را به اطلاع می رسانیم.

نوشته های کیهان جمهوری اسلامی در مورد چپ و کمونیسم در جامعه ایران و نقش و جایگاه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و پرداختن به حزب حکمتیست و نقش آن در رشد گروهها، جریانات، و نشریات مارکسیستی در دانشگاههای ایران، بی دلیل نیست. تلاش یک نسل از جوانان کمونیست، فعالین کمونیست طبقه کارگر و حزب حکمتیست، برای متحد کردن جنبش برابری طلبانه در جامعه ایران، و تلاش کمونیستهای معاصر ایران و حزب حکمتیست برای اتحاد صفوف طبقه کارگر و تقویت اعتراض و مبارزه این طبقه جهت تامین یک زندگی در شان انسان، امری مخفی و دور از چشم دوست و دشمن نیست. حزب حکمتیست همچنانکه روزنامه کیهان نیز بر آن اذعان دارد، وظیفه و اساس هویت خود را تلاش برای سازمان دادن انقلاب کارگری تعریف کرده است. حزب حکمتیست تنها

کمیته کردستان حزب حکمتیست

نشست هفتم شورای کادر های تشکیلات کردستان حزب حکمتیست

بر گزار شد

روز های بیستم و بیست و یکم فروردین ۱۳۹۰ برابر با نهم و دهم آوریل ۲۰۱۱، نشست شورای کادر های تشکیلات کردستان حزب حکمتیست با شرکت اکثریت کادر های تشکیلات کردستان و اعضای هیئت دبیران حزب برگزار گردید. نشست شورای کادر ها، ابتدا با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت بیهام خانبانگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. بنیال آن، عبدالله دارابی دبیر کمیته کردستان، طی سخنرانی کوتاهی ضمن خوش آمد به شرکت کنندگان حاضر در نشست، باخاطر ایجاد شرایط و تحولات جدید در خاورمیانه و به ویژه در عراق و کردستان عراق، بر نقش و جایگاه تشکیلات کردستان حزب در مقابله هر چه جدی تر با جمهوری اسلامی تاکید نمود. سپس

رحمان حسین زاده دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست، با مروری کوتاه بر تحولات مهم منطقه خاورمیانه و کشورهای عربی و پیامدهای آن در منطقه و ایران بر آمادگی هر چه بیشتر کل حزب و تشکیلات کردستان در برابر هر گونه

اعتراض و حق خواهی مردم لیبی، به سرعت به کنار گذاشته شد و جنگ داخلی جلیگزین آن شد. تمامی کمسیون ها و هیأت های متعددی که در قطر، سران آفریقا، سازمان ملل و غیره ترتیب داده اند، جملگی دنبال راه هایی هستند که به نحوی این پروسه را به نفع این یا آن جناح خودی در آینده لیبی قدرتمند تر کنند؛ و در حقیقت تنها مردم و کارگران لیبی هستند که در این میان نمایندگی نمی شوند. و در یک کلام صحنه آنچنان چیده شده است که امروز هیچ کسی قادر به پیشبینی پایان آن و نتیجه اش نیست.

اعتراض و حق خواهی مردم لیبی، به سرعت به کنار گذاشته شد و جنگ داخلی جلیگزین آن شد. تمامی کمسیون ها و هیأت های متعددی که در قطر، سران آفریقا، سازمان ملل و غیره ترتیب داده اند، جملگی دنبال راه هایی هستند که به نحوی این پروسه را به نفع این یا آن جناح خودی در آینده لیبی قدرتمند تر کنند؛ و در حقیقت تنها مردم و کارگران لیبی هستند که در این میان نمایندگی نمی شوند. و در یک کلام صحنه آنچنان چیده شده است که امروز هیچ کسی قادر به پیشبینی پایان آن و نتیجه اش نیست. برای ما و کارگران کمونیست ایران

امان کفا

فقط کارگران لیبی نمایندگی

نمیشوند

بیش از نیم میلیون نفر مردم لیبی در عرض هشت هفته اخیر مجبور به ترک لیبی و آواره کشورهای همجوار شده اند و شمارمردمی که در این مدت با بمب و خمپاره های طرفین به قتل رسیده اند و می رسند سرسام آور است. آنچه که موج اقتدار و قدرت مردم در تقابل حکومت های منطقه بشمار می رفت همانا

کارگران جهان متحد شوید!



بخش متحزب جنبشی است که نه تنها در میان نسل جوان و در محیط دانشگاه، بلکه و اساسا در مهمترین مراکز صنعتی و تولیدی، در محلات کارگری و... علیه حاکمیت طبقه سرمایه دار، و در دفاع از زندگی و حرمت و کرامت انسان و برای جامعه ای آزاد و برابر در تلاش است. حزب حکمتیست نوک کوه یخی است که در تاروپود جامعه، در جدالی روزانه علیه بورژوازی و دولت حامی و نماینده آن، جمهوری اسلامی، و در اعتراض هر روزه طبقه کارگر و صف آزادیخواهی در ایران، جا دارد.

سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی برای حزب ما قدم اول در راه کسب ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی و حداقل رفاه و امنیت و آسایش برای مردم

صفحه ۲

تحولات احتمالی در ایران، پای فشرده و تشکیلات کردستان را برای بسیج کردن کارگران و صف رانیکال و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در صفی متمایز فرا خواند و یاد آور شد که جامعه کردستان یکی از سنگر های مهم مبارزه با جمهوری اسلامی و مقابله با جریانات ناسیونالیست و قوم پرست کرد است.

بنیال آن، هیئت رئیسه منتخب، آیین نامه و دستور اجلاس نشست را تعیین و به تصویب حاضرین در نشست رساند. دستور جلسه این نشست به

صفحه ۴

سخنرانی و بحث در پالتاک
اول ماه مه ۱۳۹۰ و طبقه کارگر
در ایران
صفحه ۴



بجاست که با تجربه این وقایع، در صدد فراهم آوردن شرایط و پیش شرط هایی باشیم که توانایی مقابله با سرمایه را در قیام خودمان میسر تر سازد.

آنچه در لیبی می گذرد،

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گل همینجاست، همینجا ...

ایران است. منشور سرنگونی جمهوری اسلامی و حقوق جهانشمول انسان دو سندی که نویسنده وزارت اطلاعات مکررا به آنها اشاره دارد، تاکید بر نوع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از نظر ما و در تمایز با سایر مخالفین جمهوری اسلامی است که زمانی نه چندان دور و قبل از پیوستن به جنبش سبز، با هر تعبیری خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی بودند. حقوق جهانشمول انسان نیز بیانی حقوق پایه ای انسان از نظر حزب حکمتیست است. لذا حزب حکمتیست نه تنها در راه تحقق مطالبات این دو سند تلاش میکند، بلکه از لحظه به لحظه تاریخ جنبش برابری طلبانه طبقه کارگر، جنبش برابری زنان و نسل جوان آزادیخواه و برابری طلب، مستقل از تعلق سازمانی و حزبی آنها، دفاع میکند. حزب حکمتیست برای هر یک قدم تلاش و فداکاری همه کمونیستهای طبقه کارگر، همه فعالین و رهبران کارگری که دست کارگران را درست هم میگذارند و برای بهبودی در زندگی این طبقه در تلاشند، همه آزادیخواهان و برابری طلبانی که در این تلاش سهیم اند، با هر میزان نوری و نزدیکی با خود، ارج میگذارد و خود را بخشی از این تلاش میدانند.

تلاشهای وزارت اطلاعات و بیت رهبری که روزنامه کیهان زبان رسمی بیان سیاست آنها است، خود گواه این حقیقت است که شیخ کمونیسم طبقه کارگر علاوه بر محیطهای روشنفکری و دانشگاههای ایران، در قلب طبقه کارگر ایران در گشت و گذار است. این نوع از کمونیسم که روزنامه کیهان بدست آن را به مارکس و منصور حکمت گره زده است، و حزب حکمتیست را ادامه آن میداند، نه بیان تفکر و تفحص روشنفکران ناراضی بورژوا، که بیان اعتراض هر روزه طبقه کارگر به بردگی مزدی و نظام سرمایه داری است. نگرانی بیت رهبری و شریعتمداری و روزنامه کیهان از رشد این کمونیسم "قابل فهم" است، و "بررسی" "پژوهشگر" روزنامه کیهان برای تقابل با این شیخ، برای تقابل با دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و برای تقابل با حزب حکمتیست، به شهادت دفاعیات ۲۰ فروردین جناب "حسینی" و تلاش بی ثمر شریعتمداری در همان شماره، تنها توانست تأییدی دوباره بر حضور و "خطر" رشد و توده گیر شدن این کمونیسم باشد. مشکل بیت رهبری و روزنامه کیهان جمهوری اسلامی، امکان متحد شدن کارگر و مسلح شدن رهبران کمونیست طبقه کارگر و نسل جوان تحصیل کرده این طبقه، به کمونیسم مارکس است، کمونیسمی که امروز حزب حکمتیست به عنوان بخش متحزب آن در میدان است.

در نوشته های قبلی کیهان در لابلای جملات جناب "حسینی" و در سرتاسر "بررسی" شکل گیری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، از زبان خود روزنامه کیهان، نقش و تاثیر کمونیستهای جوان، میزان نفوذ و اعتبار آنها، و افق روشن و برابری طلبانه و انسانی آنها، و هژمونی که این طیف در دانشگاههای ایران داشتند، آشکار است. پرچم برابری طلبانه ای که دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در دانشگاههای ایران برافراشتند، شعارها و مطالبات آنها، از آزادی بی قید و شرط سیاسی، برابری زن و مرد، آزادی تشکل، آزادی زندانیان سیاسی، بیمه بیکاری، دفاع از مبارزات و مطالبات طبقه کارگر و ...، که حتی در مقالات نویسنده وزارت اطلاعات و نماینده بیت رهبری قابل پرده پوشی نیست، بیان امیال و آرزوی میلیونها کارگر و انسان ستمدیده در ایران است. شاید اعتراف به این واقعیات سیاسی و اجتماعی، موجبات سرزنش جناب "حسینی" از جانب مقامات مسئول را فراهم کرده است. اعترافاتی که متعاقبا در نوشته ۲۰ فروردین، به کمک شریعتمداری، تلاش کرده اند بر آن پرده ببوشانند. و سرانجام در شماره ۲۳ فروردین کیهان خود را ناچار دیده است که پرونده این "بررسی" را تماما ببینند.

"حسین حسینی" اینبار با دستپاچگی و تناقض گوئی به اصلاح گفته های قبلی خود می پردازد. اینبار ناشیانه تلاش میکند کمونیستها و حزب حکمتیست را "کم نقش و کم تاثیر" جلوه دهد! تلاش میکند کمونیسم و برابری طلبی را به جامعه ایران و مردم "مسلمان" بی ربط نشان دهد! معلوم نیست مردم "مسلمان" ایران بید "لم خروس را" باور کنند یا قسم حضرت عباس را. اگر این کمونیسم جریانی منسوخ است، اگر حکمتیستها "تعدادی انگشت شمار اند" و اگر کمونیسم به این جامعه "بی ربط" است، پس این همه "پژوهش" و "بررسی" جناب "حسینی" و شریعتمداری و این همه صغرا و کبرا چین برای چیست؟ پس نگرانی سران جمهوری اسلامی و این همه سرکوب اعتراضات کارگران و دستگیری رهبر و فعال کارگری، دشمنی خونین با هر نوع تشکل و اتحاد در صفوف طبقه کارگر و تبدیل مهمترین مراکز کارگری به محل استقرار نیروهای انتظامی و انواع دارو دسته مسلح برای چیست؟ پس تبدیل دانشگاهها به پادگان و هزینه کردن میلیاردها دلار برای اجبر کردن مزدور مسلح و جاسوس و چاقو کش و آدم کش برای چیست؟ پس نگرانی آقایان از این نوع کمونیسم که "جایگاهی" در میان مردم ایران ندارد، "نیروئی" نیست، و تازه همان تعداد "انگشت شمار" حکمتیست هم فراری داده شده اند، برای جواب به کدام نیاز است؟ پس این همه اشاره به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، به انواع نشریات و سایتهای دانشجویی، به انواع سازمان و گروه و جمعهای مختلف کارگری، دانشجویی و زنان و ... چه احتیاجی بود؟ پس این همه تلاش که نسل جوان کمونیست در دانشگاه و تشکل دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را "به اسلحه وصل" کردن، برای آنها پرورده سازی کردن و آنها را "نیروی سرنگونی طلب" خوانند، برای جواب به کدام نیاز است؟ پس این همه هزینه کردن برای دادن لیست رهبران حزب حکمتیست به عنوان "تروریست" به پلیس بین المللی در جواب به کدام نیاز است؟ مقابله با ندارد که به زعم آقایان "نقشی" ندارد، و کمونیسمی که "منسوخ" شده است، در جامعه ای که مردم "مسلماتش" سمیاتی به این "کمونیسم" ندارند، چه لزومی دارد؟ این ادعاها نزد خود مدعیان وزارت اطلاعات هم سر سوزنی اعتبار ندارند. حسین حسینی و کیهان در شروع به واقعیت بزرگ اجتماعی نقش کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی اذعان کردند، احتمالا بعد از گرفتن تذکر "خراب کردید" از رهبر و بیت رهبری به فکر جبران مافات برآمدند، این معلق زدن ناشیانه را کسی از آنها نمی پذیرد. اگر درایتی میداشتند، سکوتشان مناسبتر بود!

جهت اطلاع خوانندگان روزنامه کیهان، و جناب حسینی و همکارانش، حزب حکمتیست در هیچ زمانی نه منکر نقش خود در شکل دادن به جمعها و محافل کمونیستی بوده است و نه هیچ زمانی از چنین تلاشهایی فرو گزار خواهد کرد. اکنون مدت زیادی از سرکوب خونین دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب نگذشته است. مقطع ۱۶ آذر ۱۳۸۶ جمهوری اسلامی با تمام توان به سرکوب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب پرداخت. صدها نفر را دستگیر و روانه زندان کردند، ماشین سرکوب خود را به میدان کشیدند، دستگاه شکنجه و آدم کشی را بکار انداختند، و سرانجام فضای اعتراضی و انقلابی را در دانشگاهها پس زدند. در این سرکوب کل جمهوری اسلامی با سبز و سیاه شریک بودند. و در ادامه یک دوره پاکسازی و انقلاب فرهنگی برا راه انداختند. اخراج و بازخواست و پرونده سازی و "بستن" اسلحه به فعالیتهای سیاسی و علنی فعالین

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

گل همینجاست، همینجا.....

و اتحاد در صفوف خود، میتوان جامعه را حول مهمترین مطالبات قطبی کرد و نیروی خود را متحد به میدان آورد. این تجربه برای کمونیسم ایران، برای طبقه کارگر و فعالین و رهبران این طبقه آموزنده است. در این فضا و با اتکا به کل تجارب تاکنونی میتوان صفوف خود را متشکل کرد. میتوان برای ایجاد تشکلهای کارگری در مهمترین مراکز صنعتی تلاش کرد. اتحاد رهبران کمونیست طبقه کارگر، و تبدیل شدن آنها به لولای اتحاد کل طبقه کارگر حول مهمترین مطالبات این طبقه، میتواند فضای جامعه و توازن قوا را به نفع طبقه کارگر و صف آزادیخواهی دگرگون کند. حزب حکمیتست به عنوان تنها حزب سیاسی کمونیستی در کل این دوره در صحنه ماند. در حالی که طوفان جنبش بورژوا لیبرال سبز همه را با خود برد، این حزب ایستاد! بزیر چتر هیچ جنبش ارتجاعی، و از جمله جنبش بورژوازی سبز نرفت. در مقابل آن از منافع طبقه کارگر دفاع کرد. این حزب متعلق به همه کارگران، به همه فعالین کمونیست طبقه کارگر است و باید توسط آنها تسخیر شود. این آن خطری است که جمهوری اسلامی و بیت رهبریش را وادار به واکنش کرده است. کمونیسم چیزی جز بیان اعتراض کارگر به بردگی مزدی نیست و حزب کمونیستی ابزار جز در خدمت اتحاد طبقه کارگر و ظرف اعتراض این طبقه و سلاح این طبقه برای بزیر کشیدن نظام سرمایه داری و اعمال حکومت کارگری نیست. حزب حکمیتست همراه همه کارگران کمونیست، و دست در دست همه کمونیستها و مارکسیستهای ایران در این راه میکوشد و برای چنین تحولی در تلاش است.

پاسخ ما به وزارت اطلاعات و کیهان جمهوری اسلامی، فراخوان ما به کل طبقه کارگر، به کارگران کمونیست، نسل جوان کمونیست و به همه فعالین و دوستداران حزب، این است که این راه را ادامه دهند! از این فرجه برای تقویت صفوف خود، اتحاد و تشکل طبقه کارگر و تحزب کمونیستی این طبقه، استفاده کنند! تلاش کیهان و بیت رهبری نشان داد که ما درست رفته ایم، که گل همینجاست، همینجا برقص.

حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمیتست

۲۴ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۳ آوریل
۲۰۱۱

حمایت بقیه مراکز از پتروشیمی



که حراست شرکت مانع پیوستن آنها به کارگران اعتصابی شده است. کارگران اعتصابی با شادی و سرور و با شعار "تشکر، تشکر" از همکاران خود و همبستگی آنها قدردانی کرده اند.

همین شاهد نشان از موقعیت مهم این حرکت برای دولت سرمایه داران و طبقه کارگر ایران است. اولا موفقیت این تجربه راه پیشروی مراکزی که همین امروز در اعتراض به سر می برند را هموارتر میکند. به بقیه مراکز مهم دیگر مانند نفت و ذوب آهن و ماشین سازی ها و... راه نشان میدهد.

در نظر داشته باشیم که حرکت اعتراضی مراکز مهم کارگری ایران در متن انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا دارد رخ میدهد. بورژوازی ایران میدانند که شروع حرکت مشابه در ایران فقط از مراکز کارگری و توسط طبقه کارگر و از کاتال همین مطالبات اقتصادی ممکن است. در چنین فضای نگران کننده بورژوازی ایران با احتیاط عمل میکند؛ اولا جرات سرکوب خشن ندارد. به حساب خود نمیخواهد فضا را متشنج کند. از طرف دیگر به راحتی هم تسلیم نمیشود، چون تامین سریع خواست کارگران اعتصابی صرف نظر از هزینه خطر هم دارد. یک راه یا یک تاکتیک آنها میتواند سروانندن کارگران، خسته

کردن شان و به تدریج کسب رضایت شان با توسل به هر وسیله ای، منجمله تهدید و تامین بخشی از مطالبات باشد. یک هفته اعتصاب بی پاسخ نشانی از همین تاکتیک است.

در چنین شرایطی اما دست رهبران کارگری پتروشیمی ماهشهر هم برای دست بردن به ابتکارات متعدد در جهت پیشروی باز است؛ اولا مجمع عمومی میتواند هیات نمایندگی کارگران شرکت را انتخاب کرده و به نمایندگان مجامع عمومی خود رسمیت بخشد. کار این هیات رهبری بین دو مجمع عمومی است. بعلاوه از همه کارگران بخواهند تا اعضای خانواده هایشان را به شرکت فعال در اعتصاب خود دعوت کرده و از آنها گروه های کسب حمایت در میان بخش های متعدد مردم را سازمان دهند. زیر رهبری هیات نمایندگی منتخب خود هیات های کسب حمایت به بخش های دیگر روانه کرده و از این طریق با رهبران و شبکه های فعالین کارگری در مراکز متعدد برای کسب حمایت وارد گفتگو شوند. این مسئله نه تنها در درون خود شرکت به تعداد سازمانده و فعال کاردان و رهبر می افزاید، بلکه به ایجاد یک رابطه نزدیکتر طبقی بین شبکه رهبران و

فعالین مراکز مختلف کمک مهمی میکند.

اگر مدیریت پتروشیمی دولت و حراست و نیروی انتظامی پشت خود دارد، در مقابل، کارگر پتروشیمی هم نبض یک مرکز مهم اقتصادی کشور و منبع وسیعی در کنار خود برای کسب حمایت و همبستگی طبقی دارد.

اگر مدیریت و دولت با هم در مشورت اند تا راهی برای مشکل شان پیدا کنند، کارگر کمونیست و رهبران پتروشیمی هم میتوانند در این فرصت از تمام مراکز کارگری کناردست خود خواستار کمک و حمایت و همبستگی شوند. نتیجه هر نبرد ولو خیلی کوچک به تناسب قوی طرفین گره خورده است.

موفقیت این اعتصاب معین با توجه به دامنه آن، و با توجه به تأثیراتی که در بخش عظیمی از مراکز تولیدی خواهد گذاشت، برای طبقه کارگر ایران حیاتی است. تلاش برای دفاع از کارگران پتروشیمی، اعلام حمایت از آنها، ارتباط با آنها و تلاش برای موفقیت اعتصاب آنها، میتواند موفقیت کل طبقه کارگر را به میزان زیادی حداقل در مجامعهای پتروشیمی بهبود بخشد. میتواند امیدواری را در دل کل طبقه کارگر ایجاد کند و میتواند مهمترین بخشهای طبقه کارگر را برای تحمیل همین مطالبات دور هم متحد کند و دولت و سرمایه داران را در یک میدان مهم به عقب نشینی وادارد. نباید این فرصت را از دست داد، نباید کارگران پتروشیمی را تنها گذاشت، موفقیت آنها برای طبقه کارگر از نان شب واجب تر است.

آزادی و برابری

جامعه باید آزادی انسان را تضمین کند. آزادی به معنی آزادی از سرکوب و اختناق سیاسی، آزادی از اجبار و انقیاد اقتصادی، آزادی از اسارت فکری، آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی انسانی، آزادی در شکوفائی خلاقیت های بشری و آزادی در تجربه ابعاد عظیم عواطف انسانی.

جامعه باید تضمین کننده برابری انسانها باشد. برابری نه فقط به معنی برابری در مقابل قانون بلکه برابری در برخورداری از امکانات و نعمات مادی و معنوی جامعه. برابری در حرمت و ارزش همه انسانها در پیشگاه جامعه.

از مقدمه بیانیه حقوق جهانممول انسان - مصوب حزب حکمیتست

مرگ بر جمهوری اسلامی!

فقط کارگران لیبی ...

نشانیگر تأکید این مهم است که برخلاف تصویر غیر طبقه‌ای که قول میدیایی دنبال می‌کند، وضعیت امروز در لیبی نه ناشی از هاری شخصی قزافی و نه ناشی از نفس دیکتاتوری و فسادات شخصی قزافی و پسرانش، بلکه بر این اساس استوار است که جامعه و دنیای طبقات در خلأ گذر نمی‌کند.

برخلاف افشار و طبقات دیگر که از حکومت و دولت سرمایه گله مند هستند، و مرتب به دولت همچون یک باند و مافیای می‌نگرند، و بر همین اساس آن را بی‌کفایت می‌دانند، برای کمونیست‌ها و طبقه کارگری که انواع حیل‌ها و ابزارهای تحمیق بورژوازی برای انقیاد طبقه‌اش را هر دم با فروش نیروی کارش لمس می‌کند، دشمن احمق نیست. بی‌دست و پا نیست.

بر خلاف طبقات دیگر که چنین می‌پندارند که از قرار بایستی درجه نفرت از دستگاه حاکمه بیشتر شود، و با فشار بیشتر بر مردم بیایوند تا جانشان به لیشان برسد تا علیه دولت قیام کنند، برای کمونیست‌ها بیبیهی است که انزجار عمیق از دستگاه حاکمه برای قیام امری لازم ولی کافی نیست. بورژوازی و دولت‌ها امکانات دارند. ارتش دارند و دستگاه‌های عریض و طویل سرکوب، و در تقابل با قیام نیرو هایش را سازمان می‌دهد و به هر جنابیتی دست می‌زنند.

به همین دلیل بایستی آگاه بود و به همان اندازه آماده بود. دست زدن به قیام و جنگ با ارتش و قوای دولتی نیاز به نقشه و برنامه دارد، نقشه‌ای که حزب کمونیستی و تشکیل کمونیستی کارگری مرکز ثقل آن است.

وقایع لیبی یکبار دیگر نشان داد که مقابله با بورژوازی و دولت حاکم باید به قدرت و توان خود ما و طبقه کارگران انجام شود. برای ما کمونیست‌ها و هر جریان رادیکال مسئول، تنها آمادگی نیروی طبقه کارگر است که به ما می‌گوید زمان قیام و به زیر کشیدن دستگاه سرکوب بورژوازی فرارسیده است یا نه. امید بستن هر چیز دیگر و از جمله به نیروی نظامی غرب برای تغییر و تحول، پوچ است و علیه هر تحول انقلابی و مثبت است. همانطور که پیشینی می‌شد، آمریکا و اروپا، پس از مدت‌ها دعوای درون‌خانوادگی‌شان که کدام دست بالا نظامی را تحت نام سازمان ملل و ناتو بعهد بگیرد، منافع و اهداف بورژوازی خودشان را دنبال می‌کنند و امید بستن به دخالت‌های نظامی‌شان عرصه را برای تغییرات انقلابی کور می‌کند.

نشست هفتم شورای کادر های....

تحوالات لیبی یکبار دیگر نشان داد که اگر برای قیام آماده نباشیم و سازمان‌ها و تشکلاتمان حاضر نباشد، دنیا و جامعه منتظر نمی‌ماند و رهبری را طبقات دیگر می‌گیرند. همچنانکه دیدیم، فوراً نمایندگان خودگمارده براه می‌افتند، "دولت" تشکیل می‌دهند، و به همان سرعت با حمایت این یا آن جناح سرمایه‌جهانی، خود را تبلور قیام معرفی و حاکم می‌کنند. به همین دلیل بایستی از همان ابتدا با هرچه فرموله تر کردن خواست‌ها و قرار دادن انتظارات از نتیجه قیام، آلت‌ناتیو طبقه‌ای را آماده کرد تا امکان دفاع از دستاوردهای قیام را ساخت. منشور سرنگونی و حقوق جهانشمول انسان که مصوبه حزب حکمیت است، از جمله بخشی از همین نقشه است.

در یک کلام در زمانی که سرمایه با وسیع‌ترین نیرو و امکانات به مقابله با هرگونه از انیخواهی و عدالتخواهی طبقه‌ای به میدان می‌آید، به همان اندازه ما هم برای قیام خود بایستی با آگاهی و تشکل به جنگ برویم. قدرت ما به همین دلیل در ابراز وجود کارگر بمثابه یک طبقه گره خورده است. باید تشکل بود، باید تشکل حزبی داشت و باید ابزار دفاع از خود در مقابل سرمایه را ساخت، از گارد آزادی گرفته تا تشکلات گوناگون در محلات و محیط کار، همگی نیاز و ابزاری است که بدون آن، پیروزی ممکن نیست.

در بخش گزارش با وجود اینکه گزارش قبلا بصورت کتبی در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفته بود، ابتدا عبدالله دارابی دبیر کمیته کردستان به اختصار پیرامون فعالیت‌های سازمانی و اجتماعی تشکلات کردستان و جوانب آن توضیحاتی ارائه داد و به سئوالات حاضرین هم پرداخت. بقیه بند های دیگر دستور جلسه هر کدام دو ارائه ازرفقا : عبدالله دارابی و سلام زبجی، تحسین کرد. مظفر محمدی و رحمت فتحی، صالح سرداری و اسماعیل ویسی. ارائه دهندگان این مباحث، علاوه بر توضیحات مفصل و پر بار حول بحث‌های در دستور، جوانب مختلف اقدامات عاجل و فوری تشکلات کردستان حزب را بر شمرند و بر آنها تأکید نمودند. بخاطر اهمیت این مباحث، آرا انتخاب شد. سپس صالح سرداری به عنوان منتخب این نشست تصمیم گرفت صحبت سخنرانان را منتشر و در اختیار عموم قرار دهد. اعضای شورای کادر ها، در مباحث سیاسی ارائه شده که دو روز بطول انجامید فعالانه دخالت کردند و با ارائه نقطه نظرات ارزنده خودشان آنها را تکمیل و غنی ساختند.

نشست هفتم شورای کادر های تشکلات کردستان، در بخش انتخابات و از میان کادر های شورا ۲۵ نفر را برای عضویت کمیته کردستان انتخاب کرد که عبارتند ازرفقا : ۱- سوسن هجرت ۲- همایون گدازگر ۳- فرهاد رضایی ۴- رحمت فتحی ۵- ملکه عزتی ۶- ابراهیم بتمانی ۷- صالح سرداری ۸- آزاد زماتی ۹- سلام زبجی ۱۰- مختار محمدی ۱۱- اسپهلا ترکیه ۱۲- جلیل رضایی ۱۳- جمال پیرخضری ۱۴- محمد خضری ۱۵- کامیار احمدی ۱۶- سیف خدایاری ۱۷- اسماعیل ویسی ۱۸- مظفر محمدی ۱۹- محمد راستی ۲۰- فریده رضایی ۲۱- سالار کرداری ۲۲- رضا کمانگر ۲۳- آرام خانچه زر ۲۴- ابوبکر شریف زاده ۲۵- عبدالله دارابی.

سخنرانی و بحث در پالتاک

اول ماه مه ۱۳۹۰ و طبقه

کارگر در ایران

سخنران: اسد گلچینی

زمان: شنبه ۱۶ آوریل ۲۰۱۱

ساعت: ۲۰ به وقت اروپای

مرکزی

محل جلسه در پالتاک:

اتاق: Iran Hekmatist Party

Category: Europe

Sub-Category: United

Kingdom

نشریه حزب کمونیست کارگری

حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را نگثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم